

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۱۸ جون ۲۰۲۲



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

۸۶

شراب ناب

سرشک تلخ من از اشک باده، ناب تر است
نه من ز دست تو تنها نشسته ام در خون
ز بس که سینه لگد کوب سیل غم گردید
ز تاب برق نگاه تو، ساغر آب شود
منوش کهنه شرابی که دُرد آلود است
گذشته‌ای ز چمن در شب بهار و هنوز
به اوج بام سپهر تو می‌کنم پرواز
ز ناله‌ام ز دل سنگ و شب، شرر برخاست
کنون که پا به ره تو نهاده‌ام، باشد
مگر ز عشق سخن گفته‌ای، قلم امشب
به شهر تب زده چشم من چه طوفان شد
ز بسکه دامن من از ستاره لبریز است
چه پرده‌ای به رخ غم کشم، زخنده تلخ
لب عطش زده‌ام، از جگر کباب تر است
که قلب آئینه از حسرت تو آب تر است
ز هر خرابه بنای دلم خراب تر است
که جام چشم تو آتشگه پر آب تر است
بنوش باده خون مرا که ناب تر است
به رنگ شرم ز رنگت رخ گلاب، تر است
که کهکشان خیال تو، پر شهاب تر است
دل تواز شب و از سنگ خاره خواب تر است
که ترک راه تو در نیمه، ناصواب تر است
که همچو دیده من دامن کتاب، تر است؟
که طفل اشک سراسیمه پر شتاب تر است
ز اشک دیده من مژه شهاب، تر است
کز آفتاب نگاه تو بی حجاب تر است

چه راز در نگه خـامش تو خوابیده
که "سرمـد" از همه پیش تو بی جواب تراست